



ویژه نامه روز جهانی کاهش بلایای طبیعی	“ناساندنی ژیان و ژینگه گوندی بایه وه” له ههر شه‌ر و ئالۆژییه‌ک، که له نیوان ده‌وله‌ته دراوسیکاندا روو ده‌دا، شار و ... ص ۵	“راو کردن، نه‌هیشتی جوانیبه‌کانه” ژیان و سروشت، دوو وشه‌ی جوان و دیرینی گری‌ دراو له یه‌کن، که ... ص ۳	جنگله‌های مریوان و سروآباد، همچنان در آتش می سوزند ص ۲
--	---	---	--

“خودم در اینجا، یارم در پاره‌ها!” ئەمەین عەزیزی

ئاماده‌یی پێویستیان بۆ تیکالۆی له گەل پیکهاته‌ی شاردانیه و پسرپۆری و لیزانیان که‌مه و زۆربه‌یان نه‌خوینده‌وار، یا که‌م سه‌وادن؛ ههر بۆی‌ ناچارن به کاروو پیشه‌ی نزم وه‌ک: ده‌سفرۆشی، کریکاری وه‌رزی، کار و کاسبی که‌م داها‌ت، قاچاق فرۆشی، کۆل به‌ری و... خه‌ریک بن.

ههر وه‌ها که‌ ده‌زانین زۆربه‌ی دانیش‌توانی ئیستای شاری مەریوان، له ماوه‌ی ۱۵ سالی رابردوودا له دێهاته‌کانه‌وه کۆچیان کردووه‌ته ئەم شاره. له ژماره ۲۶ی گو‌فاری چیا، به کورتی ئاماژه کرایه سه‌ر کاردانه‌وه‌ی فه‌رهه‌نگی و ژینگه‌یی، ئاکاری دینشینه‌کان له سه‌ر شارستانی‌ته‌ی شاری مەریوان. جینی سه‌رنجه، ئەوه‌ش بزاتین، ۳۰ سال پیش ئیستا، فه‌رهه‌نگ و ئاکاری شارستانی له مەریوان، به هۆی زال بوونی فه‌رهه‌نگی شارستانی به سه‌ر فه‌رهه‌نگی دی‌ نشینی، زۆر له پیشتر و گونجاوتر بووه! گه‌لو، مه‌به‌ستی ئەم بابته، پێناسه کردنی که‌نارنشینی(حاشیه‌نشینی) به کورتی و کاریگه‌ری؛ فه‌رهه‌نگی، ئابووری و کۆمه‌لایه‌تیه‌که‌ی له سه‌ر ژیان و ژینگه‌ی شاره.

وه‌ک ده‌زانین؛ گه‌ره‌که حاشیه‌نشینه‌کان، ئاوینه‌ی بالانۆینی هه‌زاربه له بوواره‌کانی؛ فه‌رهه‌نگی، کۆمه‌لایه‌تی، ته‌ندروستی، ئابووری و... له گه‌ره‌کانه‌دا به گشتی ئەم ئاکارانه، زۆرتر ده‌بینریت:

- ۱- تندروتی و تاوان و جنایه‌ت؛ ۲- لێک بلاو بوونی بنه‌ماله‌کان و زۆر بوونی راده‌ی ته‌لاق؛ ۳- ژیان له خانووی هه‌زارانه و ناته‌واو و دارووخوا؛ ۴- بالاده‌ستی فه‌رهه‌نگی هه‌زاری و کاردانه‌وه‌ی له ره‌فتاره کۆمه‌لایه‌تیه‌کاندا؛ ۵- برسپه‌تی و که‌م ده‌سه‌لاتی ئابووری؛ ۶- دووره‌په‌ریزی خه‌لک له ره‌وته شارستانی‌کان؛ ۷- دانانی...

دریژه له لاپه‌ره‌ی ۶

ره‌وتی حاشیه‌نشینی(که‌نار نشینی) له زۆربه‌ی شاره‌کاندا، به تایبه‌ت له شاری مەریوان، روژ به روژ په‌ره ده‌ستپێت و نا‌کریت وه‌ک قه‌یرانیکی پر مه‌ترسی له سه‌ر ژیا‌نی که‌نارنشینه‌ن و دیکه‌ی دانیش‌توانی شار، چاوی لێ نه‌کریت. زۆربه‌ی ئەم حاشیه‌نشینه‌ن، پیشتر له گوندی خۆیان، هیژیکی به‌رهه‌م هینەر و کارنامه‌د بوونه. به‌لام به‌داخه‌وه، دوا‌ی نیشته‌جی بوونیان له شار، به هۆی جو‌راوجۆر، ده‌بنه سه‌رچاوه‌ی به‌شیکی زۆر له گیروگرفته‌کان. “حاشیه‌نشینی”؛ زۆرتر خه‌لکی که‌م ده‌سه‌لاتن که‌ به که‌مترین پیداو‌یستی ژیان، له خانووبه‌ره‌یه‌کی هه‌زارانه‌دا ده‌ژین. ههر چه‌ند ئیمه له مەریواندا زۆر بنه‌ماله‌ی حاشیه‌نشینه‌ن یا به ناو شاریمان هه‌ن که به راده‌یه‌کی زۆر، نه‌ک له باری ئابووری، به‌لکوو ته‌نیا له باری فه‌رهه‌نگی و کۆمه‌لایه‌تیه‌وه هه‌زار و پاش که‌وتوون! به گشتی، حاشیه‌نشینه‌ن وه‌که‌سانه‌ن که، گه‌رچی له ناودان، یا ده‌ورووبه‌ری شاردان نیشته‌جین، به‌لام فه‌رهه‌نگی لادینی خۆیان پاراستووه و خۆبیشیان به شاری ده‌زانن. له روانگه‌ی کۆمه‌لناسانه‌وه، مرۆفی حاشیه‌نشینه‌ن، ئەو که‌سه‌یه که له یه‌ک کاتدا دلی بۆ دوو جو‌ر فه‌رهه‌نگ لێ ده‌دا و خۆی به هیچ کامیان‌وه نابه‌ستینه‌وه و، ئاماده نییه له فه‌رهه‌نگی شاردان بته‌وته‌وه و به‌رده‌وام له عاله‌می خه‌وف و رجا (به‌ره‌زه‌خ‌دا ده‌ژی. له راستیدا که‌نارنشینه‌ن، ده‌رئه‌نجام و به‌رهه‌می دوو سیسته‌می جیاواز و دژبه‌ره.

له باری مێژوویی‌شه‌وه، له ئیراندا دوا‌ی رفۆرمه‌که‌ی شای پیشوو، به هۆی داروخانی سیسته‌می لادیکان، برێک شارۆچکه‌ی پیشه‌یی له که‌نار شاره‌کاندا بوونه هۆی گه‌وره‌بوونی شاره‌کان و به‌م جو‌ره کۆچ کردنی خه‌لکی دی‌ بۆ شار و حاشیه‌نشینی بوو به باو. له رووی کۆمه‌لایه‌تیشه‌وه، دوا‌ی ئەوه‌ی که گوندنشینه‌کان، ئاسووده‌یی و پیداو‌یستی‌ته‌کانی شاریان بینی و هه‌زبان لێ کرد، به مافی سروشتی خۆیان زانی که ئەوانیش لهو به‌رهه‌مه ئاسووده‌یانه که‌لک وه‌ر بگرن. بۆی‌ به شیوه‌یه‌کی به‌وبلاو روویان کرده شار. به‌لام، دیاره



به نام خالق طبیعت

“روز جهانی کاهش اثرات بلایای طبیعی” مصادف است با سالروز زلزله عظیم کانتو در سال ۱۹۲۳ که شهر توکیو را ویران ساخت. در این زلزله بیش از ۱۴۰ هزار نفر کشته شدند. براساس آمارهای بین المللی در ۲۷ سال گذشته ۳/۶ میلیون نفر بر اثر بلایای طبیعی جان باخته‌اند و بیش از سه میلیارد نفر آسیب دیده‌اند و بیش از ۲۴۰ میلیارد دلار خسارت مالی وارد شده است. این در حالی است که بلایای طبیعی روندی رو به افزایش دارند. تجربه قرن‌ها به انسان آموخته است، اگرچه نمی‌توان امکان وقوع حوادث و بلایا را از بین برد، اما می‌توان با بهره‌گیری از روش‌های اصولی و ایجاد ساختارهای توانمند مدیریتی، تلفات انسانی و آسیب‌های اجتماعی ناشی از حوادث را به حداقل رساند. پیشگیری اولیه، موثرترین راه برای کاهش اثرات ناشی از بلایای طبیعی بوده و لازم است در برنامه‌ریزی‌ها، مدیریت بحران و آماده‌سازی برای مقابله با بلایای طبیعی در سطح وسیع گنجانده شود.

فایل شماره آینده ویژه نامه چیا:
“اصلاح شیوه‌ی مصرف در بخش‌های کشاورزی و خانگی” می باشد.
 لذا از علاقمندان خواهشمندیم که مقالات و نظرات خود را در این زمینه به دفتر نشریه ارسال نمایند.



جنگلهای مریوان و سروآباد، همچنان

در آتش می‌سوزند.

ردیف	زمان	مکان
۹۰	۶/۲۲	بین روستاهای لنج آباد و بهیمه
۹۱	۶/۲۲	کانی چنار، روستای بهیمه
۹۲	۶/۲۲	سه راهی جزئی آباد
۹۳	۶/۲۳	بین روستاهای لنج آباد و بهیمه
۹۴	۶/۲۳	پشت محله‌ی چهارباخ
۹۵	۶/۲۴	روستای لنج آباد
۹۶	۶/۲۴	روستای باشماخ
۹۷	۶/۲۴	اطراف سروآباد
۹۸	۶/۲۴	اطراف دانشگاه پیام نور
۹۹	۶/۲۵	روستای نژمار
۱۰۰	۶/۳۰	پشت منبع آب محله‌ی چهارباخ
۱۰۱	۷/۲	روستای سردوش
۱۰۲	۷/۳	میراجی
۱۰۳	۷/۴	روستای لنگریز
۱۰۴	۷/۶	روستای بالک
۱۰۵	۷/۷	روستای موسک
۱۰۶	۷/۷	قبرستان داسیران
۱۰۷	۷/۱۰	روستای قولقوله
۱۰۸	۷/۱۰	روستای لنج آباد
۱۰۹	۷/۱۰	روستای نی
۱۱۰	۷/۱۰	روستای جزئی آباد
۱۱۱	۷/۱۰	روستای موسک
۱۱۲	۷/۱۱	مازی بن
۱۱۳	۷/۱۲	روستای شارانی
۱۱۴	۷/۱۳	روستای قلعه جی
۱۱۵	۷/۱۳	روستای لنگریز
۱۱۶	۷/۱۳	خواست
۱۱۷	۷/۱۳	روستای سپی بن
۱۱۸	۷/۱۳	روستای نگل
۱۱۹	۷/۱۳	ترخان آباد سروآباد
۱۲۰	۷/۱۴	روستای قلعه جی
۱۲۱	۷/۱۴	ترخان آباد سروآباد
۱۲۲	۷/۱۶	محله‌ی بلچسوری
۱۲۳	۷/۱۷	روستای بالک
۱۲۴	۷/۱۷	روبهروی سروآباد
۱۲۵	۷/۱۸	روستای مازی بن
۱۲۶	۷/۱۹	روستای باشماخ
۱۲۷	۷/۲۰	سه راهی جزئی آباد
۱۲۸	۷/۲۱	اطراف دانشگاه پیام نور
۱۲۹	۷/۲۳	اطراف دانشگاه پیام نور
۱۳۰	۷/۲۳	روستای بوریر
۱۳۱	۷/۲۳	سیف خوارو
۱۳۲	۷/۲۳	روستای کولان
۱۳۳	۷/۲۴	روستای جزئی آباد
۱۳۴	۷/۲۴	کوه قلمبهرد
۱۳۵	۷/۲۴	دامنه‌ی پیازه‌ی قلمبهرد
۱۳۶	۷/۲۵	اطراف روستای بهر قورو
۱۳۷	۷/۲۵	روستای بهرقه‌لا
۱۳۸	۷/۲۵	روستای بهیمه
۱۳۹	۷/۲۶	اطراف دانشگاه پیام نور
۱۴۰	۷/۲۶	پشت پادگان
۱۴۱	۷/۲۶	روستای قولقوله
۱۴۲	۷/۲۶	شهر جوجه سازی

هر چند که بارش باران اول مهر ماه، دستداران طبیعت را به وجد آورد تا شاید پیکر نیمه جان و سوخته‌ی جنگلهای مریوان و سروآباد اندکی خود را تسکین دهند اما متأسفانه بعد از یک هفته بار دیگر نامردمان و دشمنان طبیعت سبز به جان جنگل‌ها افتاده و حجم آتش سوزی‌ها، بیشتر از دو ماهه‌ی اول شد. لازم به ذکر است انجمن سبز چیا و دیگر دستداران طبیعت با تلاش شبانه روزی خود تا به حال از سوختن بیش از ده هزار هکتار از جنگل جلوگیری نموده‌اند.

وسیعترین آتش سوزی در سه ماهه‌ی اخیر

نصف شب دوشنبه ۱۴ مهر ماه سال جاری، اعضای انجمن سبز چیا با تماس مسافران مریوان - سنندج مطلع شدند که کوههای لنگریز در آتش می‌سوزد. برای بررسی وضعیت موجود ۲ نفر از اعضای انجمن راهی منطقه شدند. آتشی جهمی به طول ۲۰ کیلومتر به جان بلوطهای لنگریز افتاده بود. به گفته‌ی ساکنین منطقه چند روز بود این جنگلها در حال سوختن بودند و بیشتر یکبار دیگر آتش کنترل شده بود.

بعد از ظهر روز بعد تیمی ۲۰ نفره از اعضای انجمن به کمک مردم روستاهای لنگریز، نگل و سپی بن مشغول خاموش کردن آتش شدند.

دلسوزان طبیعت سرسختانه و بدون هیچ چشم داشتی، پس از ۱۱ ساعت تلاش با ابتدایی ترین امکانات از قبیل شنکش و بیل و آتش کوب، ساعت ۲ بامداد روز پانزدهم موفق به کنترل آتش شدند.

در این آتش سوزی بیش از ۵۰۰ هکتار از جنگلهای لنگریز، خواشت، سپی بن و جاده‌ی بوریر از بین رفت.

پاکسازی و لایروبی روستای دره‌تفی

پس از آنکه کمیته‌ی ناژین انجمن سبز چیا (کمیته‌ای تخصصی در باب مسایل و مشکلات زیربار)، پس از ۱۵ ماه مطالعه‌ی خود به این نتیجه رسید که یکی از عوامل اصلی ورود رسوبات به تالاب زیربار، رودخانه‌ی واقع در روستای دره‌تفی می‌باشد، انجمن سبز چیا درخواست تشکیل جلسه‌ای با حضور ارگانهای مربوطه ارائه داد.

به دنبال درخواست انجمن، جلسه‌ای با حضور مسئولین ادارات فرمانداری، شهرداری، محیط زیست، امور آب و ... راجع به مشکلات تالاب زیربار در مورخه ۸۸/۶/۲۶ در فرمانداری شهرستان مریوان تشکیل گردید که مصوباتی در پی داشت. یکی از آن مصوبات لایروبی و پاکسازی روستای درتفی بود. با پی گیریهای مکرر چیا از طریق فرمانداری و اداره‌ی راه و ترابری شهرستان مریوان، مدیریت و پرسنل تلاشگر راه و ترابری ادوات لازم را برای این منظور گسیل داشتند و در هفتم مهر ماه سال جاری شروع به لایروبی رودخانه مذکور گردید. در مدت ۴ روز کاری مقدار چهارصد متر از مسیر تعیین شده تخلیه گشت که متشکل بود از؛ فضولات دامی، خاکروبه، گل و لای و دیگر زباله‌های خانگی، که مجموع قریب به هفت هزار تن را شامل می‌شد. اکنون این کار به علت در اختیار نداشتن ادوات و ماشین آلات سنگین لازمه نیمه کاره باقی مانده است. انجمن سبز چیا از نماینده شریف مردم مریوان، معاونت و پرسنل فرمانداری، مدیریت و پرسنل اداره‌ی راه و ترابری، سرپرست و پرسنل شهرداری و اهالی روستای درتفی کمال تشکر و قدردانی می‌نماید.

آغاز طرح آموزشی " جلب مشارکت روستاییان در مسایل زیست محیطی"

طرح آموزشی " جلب مشارکت روستاییان در مسایل زیست محیطی" که چندین ماه قبل از سوی انجمن سبز چیا به اداره کل محیط زیست استان کردستان ارایه شده بود، پس از تأیید نهایی از سوی آن اداره و سازمان حفاظت از محیط زیست کشور، در تاریخ ۱۸ مهر سال جاری آغاز گردید. مراسم افتتاحیه این طرح که با همکاری اداره‌ی کل حفاظت از محیط زیست استان اجرا می‌گردد، در روستای وله ژیر در تاریخ فوق برگزار گردید. هدف این طرح که توسط انجمن سبز چیا اجرا می‌شود، آموزش و جلب مشارکت روستاییان حاشیه تالاب زیربار، در باب مسایل زیست محیطی با تأکید بر اهمیت جنگلها و نقش تالاب زیربار در زندگی مردم روستاهای اطراف تالاب و ضرورت و حفظ نگهداری آن و همچنین آموزش مباحث کلی زیست محیطی می‌باشد. شایان ذکر است که این طرح در ۱۲ روستا حاشیه‌ی تالاب زیربار اجرا می‌گردد که تا کنون در شش روستا به اجرا درآمده و مورد استقبال روستاییان عزیز قرار گرفته است.

مرگ اجباری منابع طبیعی در کهگیلویه و بویراحمد

خبرگزاری مهر: جنگلهای کهگیلویه و بویراحمد به عنوان یکی از زیباترین جنگلهای زاگرس این روزها به دلیل آنچه توسعه می‌نامند به مرگ اجباری محکوم شده‌اند.

به گزارش خبرنگار مهر در یاسوج، آخرین مورد آن قطع بیش از ۱۴ هزار اصله درخت کهنسال بلوط توسط شرکت گاز طی دو روز در منطقه حفاظت شده دنا بود.

در حالی که هنوز داغ آتش سوزیهای تابستان گذشته بر چهره داغدار جنگلهای استان هویدا بود جنازه سبز این درختان نیز بر زمین افتاد تا داغ دیگری بر محیط زیست استان بگذارد.

البته در حالی این تعداد درخت در مسیر انتقال گاز عسلویه به شمال در منطقه حفاظت شده دنا تخریب شدند که این شرکت می‌توانست با هماهنگی و اخذ مجوز از سازمان محیط زیست از مسیر قدیمی اقدام به انتقال خط لوله گاز کند تا هم اکنون شاهد قطع این سرمایه‌های خدادادی نباشیم.

اهدای دومین لوح تقدیر به انجمن سبز چیا

با توجه به اینکه مسایل و مشکلات زیست محیطی حد و مرز نمی‌شناسد، انجمن سبز چیا هم از این قاعده مستثنی نبوده و در اساس نامه این انجمن نیز به صراحت به این نکته اشاره شده است.

به همین خاطر این انجمن نقشی اساسی در کنترل آتش سوزیهای منطقه‌ی سروآباد و حتی بخشهایی از سنندج ایفا نموده است. در این راستا به خاطر حضور فعال اعضای انجمن سبز چیا در کنترل آتش سوزی جنگلهای لنگریز، خواشت، نگل و سپی بن، رئیس منابع طبیعی سروآباد دومین لوح تقدیر را در سه ماهه‌ی اخیر به این انجمن اهدا کرد. شایان ذکر است که انجمن سبز چیا بیشترین سهم را در خاموش کردن این آتش سوزی‌های مهیب داشته است.

"راو کردن، نه‌هیشتنی جوانیبه‌کانه"

من ئەو دارەم

من ئەو دارەم له دارستان
 له لادیکان له شارستان
 من ئەو دارەم که بەردارم
 خاوەن سیو و هەم هەنارم
 من ئەو دارەم هەوای ولات
 بە ئیزنی خوا ئەیکەم خەلات
 من ئەو دارەم که جاکم هەس
 قازانجم هەس زۆر بە هەوەس
 من ئەو دارەم بەرقەسوانم
 پارێزگارم وەکوو شوام
 من ئەو دارەم سیبەرم هەس
 پەيوەنم کەن، سێ بەرم هەس
 من ئەو دارەم پڕ زینەتم
 بۆ گەل چاک و خۆ مەینەتم
 من ئەو دارەم بەری لافاو
 بە دەستی من نایە بەر تاو
 ئیلاو بەهار بەری ئەگرم نەبەتە شار
 من ئەو دارەم سەوز و گەشم
 بۆچی بە تەور کەوتنە لەشم؟
 من ئەو دارەم زیگری خوا گیان
 ئەنجام ئەدەم بە بێ وچان
 من ئەو دارەم رەسولی خوا
 فەرموو بەتی بۆ بەندەدی خوا
 گەر له بیخ بیت
 له جیگای ئەو داری بنریت
 میوهی چاک چاک
 نۆشی بکەن بژین چالاک
 من ئەو دارەم بۆ تەور بە دەس
 سیبەرم هەس تا دوا نەفەس
 من ئەم دارەم، نیمە تاوان
 بۆچی ئەمکەیتۆ له باوان؟!

هەشارگەکان تیک رووخین و بنیادی ژیاپتیکی
 هیمن و ئاسوودە بۆ نازەلانی دارستان دانین.
 ئەرکی ئیمە یارمەتی دان و هاندانی ئەوان بۆ
 ژیاپە، نەک گیان لێ ئەستاندیان. چەند جوان و
 شارستانیانە یە لە زستاندا بە بێ هیچ تەمایەک
 دانەویڵە رشتن و یا لە گەرمای هاوین دا ئاو
 دانان بۆ پەلەوهران. با مندال و خوشک و
 براکانمان فیڕ و هوشیار بکەینەووە که نەک هەر
 هیلانەکان تیک نەدەن، بگرە گەرمتر و جوانتر
 رایان بگرن. با سەیر کردن و نەوازش کردنی
 پەلەوهران چیژ بە روحمان بگەپەنێ، نەک
 کوشتن و له داو خستیان. با وانە وتەووی
 ناشتی و پیکەووە ژیاپتی نازەل و مرووف و دارستان
 له قوتابخانە و بنەمالە بە دەنگی بەرز بلینەووە. با
 مندالەکانمان پەلی درەختەکان نەشکینن بۆ
 دروست کردنی قەلماسک و سنگی پڕ له ئاوازی
 بالەندەکان نەگرنە نیشانە. ئەو کاتە ی که
 دونیای قەرەبالغ و پڕ له هەرای شار و تەپ و
 تۆز و دووکەلی سەیارە و کارگەکان و بەرزی و
 نزمی و ساردی و گەرمی ژیاپتی بێزار و
 وەرەسمان دەکات، تاسەباری بۆنی گژ و گیا و
 دەنگی کەو و چۆلەکە، خشپە ی گەلا وەرپووەکان
 له ژێر پێماندا، پاراو بوون له ئاوی کانیاوی
 پاکژی و هیمنی دەشت و دەر و چیا و جم
 وجوولی گیانداران، ماندوو بەتی جەستە و
 دەروونمان دەپوینت. با بەرپرسایە تیمان
 دارستان و سروشت و گیان له بەرانیش
 بگریتهووە و ئاسوودەیی ئەوان بەشیک بیت له
 پیووستی ژیاپتی ئیمەش. با جیگای ئەو
 فەرھەنگە له نیوان خۆماندا بکەینەووە که راو
 کردن بە تاوان و قەدەغە بزاین. بەو هیواپە
 پەیفەکانمان تەنیا له چوارچیووی دروشم دا
 نەبیت و بەرگی کردووە له بەر بکات.

ژیاپتی و سروشت، دوو وشە ی جوان و دێرینی
 گری دراو له یەکن، که ژیاپتی بە سروشتی
 سالمەووە دەتوانی بەردەوام بیت. ئەو سروشتە
 دەوڵەمەند و بەخشەندە یە دابین کەری زۆریک
 له پیداو یستییە کانیانە. بەداخووە زۆریک له ئیمە
 گرنگی بە پاراستن و جوانتر کردنی نادەین و بە
 ئاسانی له پال ئەو دیاردانەووە که گیانی سروشت
 دەخاتە مەترسییەووە رادەبوورین و راستەوخۆ یا
 ناراستەوخۆ، بەشداری لەو نیش و هەنگاوانەدا
 دەکەین که بۆ گیانی سروشت زیان بەخشە.
 جار جارەش له بەر حەز و ئارەزوو، یا
 بەرژەووەندی تاکە که سیمان ئازاری سروشت و
 گیان لەبەرانی دەدەین. ئە ی ئەو جل و بەرگە ی،
 که جوانی بە بەژمان دەبەخشێ و له سەرما و
 گەرما دەمانپاریزی، یا ئەو کورسی و قەلەم و
 کاغەزی قوتابخانە که بەرەو دنیای زانست و
 رامیاری پالمان پیووە دەنێ، یا ئەو هەموو
 کەرستە یە ی که له دروست کردنی خانوو و
 کۆشکەکانماندا بە کاری دێنن له کوپووە دیت؟
 هەر هەموو بەرھەمی دارستان و سروشت و
 نازەلە. راو کردن دیاردە یەکی دێرینی
 کۆمەلگاکەمانە. دیارە کوردەواری نەریت و
 عاداتی فولکلۆر و له میژینە ی جوانی زۆرە که
 دەبێ هەردەم تازە ببیتەو و بە نەووەکانمانی
 بناسین. بەلام، بە پیچەوانە نەریتی
 نالەباریشی هە یە که دەبێ بنبر بگریت و بەر بە
 پەرە پیدانی بگیردیت. یەک له وانە راوکردنە که
 بە داخووە بەرپرسان وەکوو پیووست بەرگری
 لەو تەفەنگ بە دەستانە ناکەن. هەر ئەو گوێ
 نەدان و کەمتەرخەمی دەبیتە هۆی هاندانی
 راوچی بۆ هیرش کردنە سەر نچیرەکانیان. دە با
 هەندیک زیاتر گوێ له هاواری بێ دەنگی گیان
 له بەرانی بەستە زمانی ئیو دارستان بگرین و بە
 هاناووە چوونیان بە ئەرکیکی سەرشانمان بزاین.

شەھلا کاوہ له (ئاوایی نئی)

ما و پسر عم‌های برحقمان

آنچه مرا به نوشتن این سطور ترغیب کرد، مطالعه کتابی نوشته دکتر ابراهیم یونسی به نام «جنگ سایه‌ها» کتابی حاوی دو داستان به نام جنگ سایه‌ها و خرس‌ها و آدم‌ها.

در داستان خرس‌ها و آدم‌ها، به داستانهایی از رویارویی این دو حیوان (حیوان چهارپا و حیوان دو پا) پرداخته که برای هر انسانی جای تأمل است. داستانهایی که در دیار ما سینه به سینه نقل شده و چه بسا قصه‌های مادران کرد بوده برای خواباندن فرزندانشان. نکته بسیار جالبی که در تمام داستانهایی با لختی عمق می‌توان فهمید این است که در کارزار بین این دو موجود، انسان همیشه آغازگر بوده و متأسفانه همیشه پیروز. جای جای کتاب درس زندگی می‌دهد و در کنار این درس احساسی آمیخته با نفرت نسبت به انسانهایی این چنینی، انسانهایی همچون عمو خداکرم ۱۲۰ کیلویی، که از مازوان بر می‌گشته و در راه به خرسی برمی‌خورد. خداکرم پس از استمداد از مشایخان! چلاک را با تمام نیرو به وسط پیشانی خرس می‌کوبد! تنها به این دلیل که خرس در جنگل و بر سر راه او شده! و یا رجب ترکه، خرچکی زاده آواره، که با تبرداس ضربه‌ای جانانه به پس‌شانه خرس انتری‌ها که رسن پاره کرده بود، می‌زند. رجب بعدها فکر کرد و پی‌برد که خرس رام بوده و بی‌آزار و با انسانها آخت شده. و یا صالح جوانی ۲۵ ساله و مدعی نام و نشان که می‌خواسته با کشتن خرس زخمی ادعای خود را ثابت کند و نشان دهد مرد شده! خنجری را مهمان شانه خرس می‌کند و دست‌آزادش را مهمان گلوی خرس! و یا نصرالله در روزی خالی از سرگرمی و کسالت بار، به همراهش می‌گوید: برویم شکار بکنیم! برویم تفریحی بکنیم! مدتهاست نرفته ایم، از بس فاصله افتاده که کم‌کم قیافه‌اش هم یادمان رفته انگار نه خرسی بوده و نه خرسی دیده‌ایم!! و با رفتن به کنار خرسان، می‌خواهد تفریح کند. ماده خرسی را با تفنگ کشته و به ته دره می‌فرستد!

دست‌مریزاد به نویسنده که از قول یکی از دوستانش می‌نویسد: از وقتی که این تفنگ اختراع شد مردی و مرادنگی از بین رفت. سابق بر این طرف‌ها می‌آمد، رو به رویت می‌ایستاد، حرفش را می‌زد، تو هم باید پاسخ می‌دادی، اگر پاسخ نداشتی تمکین می‌کردی.

به راستی که جوابگوی ناتوانی انسانها شده، ناتوانی از جنگ جوانمردانه و جنگ با دلیل. البته همه داستانهایی کتاب بوی مرگ نمی‌دهند. لاقلاً آن تک داستانی که در ابتدا خرس کارگردان بوده! داستان از رفاقت انسان و خرس حکایت می‌کند ولی نه از جنس حکایت خاله خرسه! انسانی که افلاکی مانده و می‌داند تنها او صاحب حق نیست و شریکانی نیز دارد، با خرس طرح دوستی ریخته و هر روز با چند جبهه قند به ملاقات دوست قانع خود در کوه می‌رفته. خرس او را با توله‌اش رفیق می‌کند، او را به لانه‌اش می‌برد و در کنار او می‌نشیند و جیبهایش را برای سهمیه هر روزش می‌گردد. روزی از روزهای دوستی تکه استخوانی را به دوست آدمیزادش می‌دهد. دوستش در استخوان دقیق شده ولی مفهوم این بخشش را درک نمی‌کند. بعدها که

این داستان را برای رفیق دامپزشک خود تعریف کرده و از او دلیل کار خرس را می‌پرسد در جواب می‌شود که جانوران بنا به سابقه‌ای که حکم‌گریزه پیدا کرده از ترس آتش‌سوزی و نبود مواد خوراکی، سهمی از غذای خود را در زیر خاک پنهان می‌کنند و حیوان به خاطر علاقه‌ای که به تو داشته این دینه گرانها را برای تو آورده. در واقع با زبان بی‌زبانی گفته: بفرما، در این دنیا چیزی از این ارزشمندتر نداشتیم. این را هم برای تو آورده‌ام، بفرما!!

هزار رحمت بر چنین خرسی که رسم مهمانداری و رسم رفاقت می‌داند و استخوان تازه کتف گوسفند را به مهمان می‌دهد. ای کاش برای چنین حیواناتی هم نثار فاتحه رسم بود یا اقلاً ۱ دقیقه سکوت! چون به راستی سزاوارند. حتماً نویسنده از اینکه اسم داستان را آدم‌ها و خرسها نگذاشته منظوری داشته، شاید این ذهنیت مرا داشته که در چنین جاهایی و در چنین زمانهایی خرس‌ها از آدم‌ها نجیب‌ترند، لایق‌ترند و انسانتر!

آدمی! این موجود سیری‌ناپذیر و حریص! این مالک وقیح و بی‌بنیه طبیعت (البته در مقایسه با طبیعت) انگار فراموش کرده که خود زمانی امانتی بود در دامان طبیعت. آن زمان که طبیعت به او خوراک می‌داد، او را سکنی می‌داد و پوشاکش را تأمین می‌کرد. حال که از خردی گذشته و رشد کرده امین خود را هم فراموش کرده. همیشه در کتابها، در مکالمات روزمره، در فرهنگهای مختلف، در عرفها، در قانون و در شرع صحبت از خیانت امین در امانت بوده و دنباله‌ای آن دم چنین عمل ناپسندی. ولی تا بحال به یاد ندارم در هیچ کتابی و هیچ جایی و از هیچ کس شنیده باشم که امانت به امین خیانت کند! نمی‌دانم تا به کی انسان می‌خواهد تنها به حکم آدمیت، غیر واقع‌ها را به واقع تبدیل کند. چه دلیلی دارد انسان با دو پای خود وارد حریم خصوصی حیوان بشود. بعد از این هتک حریم، حق زندگی کردن را هم از او سلب کند! چه دلیلی دارد حیوانی که بر اثر گرسنگی و سرما به محل زندگی آسانتر نزدیک می‌شود، به جای مهمانوازی و به لطف نوازش کردنش، حق زندگی را از او ساقط کنی؟ مگر نمی‌دانی مهمان حییب خداست و تو بنده خدا؟! چه دلیلی دارد برای سرگرم شدن یا سیر شدن شکم سیری‌ناپذیر و یا نمایش قدرت، لوله تفنگ را به سمت حیوان یا پرنده بگیرد و بی‌رحمانه در خون بغلتانیدش! چه لذتی دارد تور در آب انداختن و ماهی گرفتن و نظاره گر تقلای آن با آب مأنوس شده، برای رسیدن به آب!

وقاحت‌های انسان به این موارد ختم نمی‌شود. انگار پایان‌ناپذیر است، درست مثل نیازهایش. چیزی عجیب که از دیرباز **ذهن مرا به خود مشغول کرده صفتهای مذموم گذاشتن بر حیوانات است. جغد شوم، گربه بی‌صفت، روباه مکار، ... و یا داستان‌هایی ساخته و پرداخته ذهن خام انسانها درباره صفات بد حیوانات. مثلاً اینکه سنگ گفته! آرزو دارم در خانه‌ای باشم که صاحب ۷ پسر**

باشند و هر کدام تکه استخوانی به من بدهند ولی گربه گفته! برعکس تو من آرزو دارم در خانه‌ای باشم که صاحبخانه پیرزن و پیرمردی کور باشند و من براحتی می‌توانم شکم خود را سیر کنم!!

به راستی چنین داستانهایی و یا صفاتی ریشه در چه چیز دارد؟ چه دلیلی بهتر از این می‌توان پیدا کرد که سازندگان چنین حکایت‌های پندآمیز و تأمل‌کنندگان در رفتار حیوانات! انسانهایی بوده‌اند که خود دارای چنین صفاتی بوده و آن را به بی‌زبانان بی‌حق، نسبت داده‌اند تا شاید به نوعی روح ناآرام و مریض خود را تسکین داده و نشان دهند اندر احوالات کاینات تأمل و تعقل می‌کنند!

چگونه می‌توان انتظار داشت دیگر گربه‌ای بر روی کره خاکی یافت نشود که از سنگ کودکان در امان باشد، وقتی که از پدر و مادر بارها شنیده‌اند که گربه بی‌وفاست. این در حالی است که حال سگان باوفا نیز چیزی کم از گربه‌های بی‌وفا ندارد. مگر نه این است که والدین الگوی فرزندانند؟ و فرزندان سازندگان فردا و چرخاندگان آینده؟!

از کودک خود انتظار نداشته باشید به جان حیوانات و حتی به جان هم‌نوعان خود احترام بگذارد زمانیکه می‌بیند پدر در حین رانندگی حیوانی را وسط جاده می‌بیند و حاضر نیست کمی سرعت را کم کرده و یا کمی زاویه فرمان را تغییر دهد تا حیوان را زیر لاستیک‌های ماشینش متلاشی نکند و تازه پدر زیر لب و غرولندکنان به بخت بد خود لعنت می‌فرستد و بعد به حیوان که چرا سر راه او سبز شده! مگر نمی‌داند اینجا جاده است و ماشینها در حال حرکت!! و به جرم این گناه نابخشودنی، دل و روده حیوان را با آسفالت جاده هم آغوش می‌کند. نمی‌دانم شما نیز همچون من از چنین انسانهایی تنفر دارید یا نه ولی مهم اینست که تعدادشان کم نیست. انسانهایی که بر روی زمین راه می‌روند، تفکر می‌کنند، در اطراف خود تأمل می‌کنند و در دل می‌گویند: به‌به! براستی ما انسانها چقدر عظیم هستیم! چقدر صاحب جلال و جبر هستیم! براستی که ابر و باد مه خورشید و فلک در کارند تا ما خوش بگذرانیم، بخوریم و بیاشامیم و ریاست خود را کنیم چون خدایی هستیم! زمین حق ماست و حیوانات اسباب بازی بچه‌های ما و وسیله سرگرمی خود ما!! به راستی شکار عملی است غیر انسانی، نفرت‌آور و وحشیانه ولی گویا زندگی جز این نیست!

به قول نویسنده که از زبان دانشمندان می‌نویسد: همین سوسک، همین خرس، همین روباه، پسر عم‌های برحق ما هستند و برخلاف پسر عم‌های معمولی در زندگی ما فعالانه مشارکت و مداخله دارند.

به امید روزی که احترام به حقوق پسر عم‌های برحق خود را بیاموزیم و بیاموزانیم.

“ژینگه پاریزی له گوندهکانی ناوچهی مهربوان (۷)***ناساندنی ژبان و ژینگه ی گوندی بایه وه**

له ههر شهر و ئالۆزیهک، که له نیوان دهولته دراوسیکاندا روو دهدا، شار و گونده سهر سنووریهکان، یهکه م قوربانی و بی پهناترین شوینی ههر رووداویکی چهکدارین. له شهر ی ۸ ساله ی ئیراق و ئیران؛ ناوچه کوردنشینهکانی ههر دوو ولات تووشی خهسار و ویرانییهکی بهرفراوان بوون. دهولته ی فاشیستی به عس، پیشتر و له مهوادی ئهوه شهردها، ههموو شار و گوندهکانی سهر سنووری کاول و، دانیشتوانی به گوشتن و برین و دهر بهدهری له ناو بردبوو. شار و گونده سهر سنووریهکانی ئه م دیویش، له و ماوهدا، خهساریکی زۆریان وه بهر گهوت. دینهتهکانی سهر سنووری ناوچهی مهربوانیش، له وهامهتیه بی بهش نهبوون. زۆرتەر له ههمووان، دانیشتوانی بایهوه زههراوی ئهوه شهره بی ئاکامهیان چیشت و، به ئیسک و پیستهوه ههستیان بهو گوشتن و برین و کۆچی زۆرهملیه کردوو و له بهر چاوی خۆیان خاپوور کردنی گوندهکهیان بینوه. له مههلهیهدا، کاک جهلالی سهعیدزاده، به ناساندنی ژبان و ژینگه ی ئاوابی بایهوه؛ به کورتی، به سههرهاتی کارهسانهکان و خۆراگری خهلگی ئهوه گوندهمان بۆ باسی دهکات.

“چیا”

گوندی “بایهوه”، نزیکترین دینی سنووریهی ئیران - ئیراقه و کهوتووته ۲۰ کیلومتری باکووری خۆراوا (شمال غرب) ی مهربوان و پینج کیلومتری رۆژهلاتی شاری پینجوین. ئیستا نزیک به ۳۰ بنه ماله لهوی دهژین و ریژهی دانیشتوانی دهگاته ۲۰۰ کس. گوندهکانی دهورووبهری بایهوه بریتین له: باشماخ، بناوهسوتوه و مرانه. شوینه میژووویه کانیسی بریتین له: قهبری زاله، پیرداییل، کهوله سوور و گۆرستانی شیخه ی بهکر. ههر وهها دیمهنی دلرفین و سروشتی جوان و سهرنج پاکیش و دارستانی چر و پر، له گهله چهند کانی و سهیرانگهیهک وهک: کانیه وردهلهکان، کانی کاکه، شاخی قووج سولتان، کانی ههلووزان؛ ئهوه گوندهیان رازاندووتهوه. له سهر نیوی گوندی بایهوه و میژوووی ئاوهدان بوونهوهی، زانیاری ئهوتۆ له بهردهستدا نییه. بهسالاچووانی بایهوه دهلین: تهمهنی ئهوه ئاویه

دهگه پیتهوه بو سهردهمی تهیمووری لهنگ؛ که گواهی هیزهکانی لهوی هواندووتهوه. ههروهها دهلین: عهربه کۆچه رهکان (بادیه نشینهکان) لهو شوینه مانهتهوه و دهواریان ههلهداوه و ناوی بادیه ئاوا، یا بایه ئاوا یا بایهوه لهویه وه هاتوه. یا دهلین: له زستانه سهختهکاندا، بهفر و بۆران لهو دهقه ره بایهوه دهکات. واته بهفر له گهله با، زریان دهکات و نیوی بایهوه بهو بۆنهوهیه. بایهوه؛ له بهر ئهوهی گوندیکی سنووریه، بهردهوام ههم ئاوهدانی و قهرهباغی زۆر و، ههم چۆل کردن و کاولکاری کهم وینهی به خۆوه دیوه. له کاتی ئاسایش و ئاشتی، شوینیکی تیجاری بووه و له دوور و نزیکهوه کاسب و بازرگانهکان روویان تیکردوووه. سهردهمانیکیش، گهپۆکی (تووربست) ئهجنهبی و تهناهت وینهگرانی کهنالی بی بی سی، له شیوازی ژبانی خهلگی ئهوه ناوچه وینهیان ههلهگرتوووه. ههر وهها، ناو و ناوبانگی بایهوه له مهربوان، به هۆی چوارپێانی بایهوهوه، ههموو رۆژیک ههزاران جار دهکهوتیه سهر زاری خهلگی. بهلام دهیان کارهسات و شهر و مال و ویرانی؛ خهساری بی قهرهبووی تووشی بایهوه کردوووه و دهیان بنه ماله، سهرهرا ی له دهس دانی زۆریک له ئه ندامانی بنه ماله یان، ناچار بوونه زیده کهیان به جی بهیلان و روو له مهربوان و شوینهکانی دی بکهن. پرێک لهو کارهسات و نههامهتیانه که کاریگری راستهوخۆی له سهر ژبان و ژینگه ی بایهوه بووه؛ بریتین له: شهر ی عوسمانیهکان (۱۹۱۳ز)، شهر ی جیهانی یهکه م (۱۹۱۶ز)، شهر ی ئینگلیس له گهله شیخ مهحمودی نهمر (۱۹۲۳ز)، شهر ی شای ئیران و شوهرشگێر (۱۹۴۶ و ۴۷)، شهر ی بارزانی نهمر و رژی ئی ئیراق (۱۹۷۵)، شوهرشی گهلانی ئیران و ئاواره بوونی خهلگی مهربوان و، سهر باشقهی ههمووی، شهر ی مال و ویران کهری ئیراق - ئیران، که ئاواره بوون و داپرائی یه کجارهکی دانیشتوانی ناوچهکه، به تایبتهت خهلگی بایهوه، له مولک و مال و زیدی خۆیان، ههتا ئیستای لی کهوتوتهوه. سهرهرا ی ئه مانهش، له م دواياندها، ههلهکندنی کانالیکی پان و بهرین و قوول له سهر سنوور و له سهر خاکی ئیران، له مهوادی زۆرتەر له دوو کیلومتر و له پانایی شهش میتر و قوولایی چوار میتردا، که بهشیکی زۆر له زهوی کشت و کالی و کانی و دارستان و باخ و مهزرای بایهوه ی بهرکهوتوووه، خهساریکی یه کجار زۆر و قهرهبوو نهکراوی ئابووری و ژینگه یی بهو ناوچه گه یاندوووه و تهناهت دانیشتوانی بایهوه، له ئاوی چه م سهر سنووریه کهش بیبهری بوونه. کیشهی گهوره ی بایهوه ئیستا ئهوهیه که، دوا ی ئهوه ههموو کارهسات و ههوار و نشیوه، وهک ئاوهدانیهک حسینی بۆ ناکریت. ههر بۆیه مهوادی ۲ کیلومتری

جاده ی سهرهکی و ترانزیتی قیرتاو کراو، تا نیو گوندی بایهوه خاکیه. یا ههر چه ند، بینای مهدرهسه ی بۆ کراوه تهوه، بهلام ناهیلان قوتابیهکان که لکی لی وه برگرن و ناچار نه مزگه وته که دا بخوین. له لایهکی دیکه، زۆریک له بنه ماله کان له بهر نه بوونی خویندنگه ی ناوهندی (راهنمایی)، ئهوه گوندهیان به جی هیشتوووه. ههر وهها هیچ شوینیکی پزیشکی، قهرهنگی، وه رزشی و خزمته گوزاری بۆ دا بین نهکراوه. بهلام دانیشتوانی بایهوه به هۆی خۆراگری و ئاوهدان هیشتنه وهی گونده کهیان و که لک وهر گرتن له خاک و ئاو و مهزرا و باخ و دهر و دهشتی؛ پرێک پیدایوستی له کۆنه وه و، بریکیش له م دووایانه دا، بۆ خۆیان دا بین کردوووه. خه لگی بایهوه، ئیستا له ئاوی خواردنه وه و بهرق و تهله فوون و سووته مهنی (نهوت) و که لک وهر دهگرن. دی نشینی بایهوه یی له سهر و ویرانه ی ماله خاپوور کراوه کان به شیوازیکی نوی خانووی کردوه تهوه و چه مام و ئاودهست و چیشتهخانه و..... بۆ خۆی ساز کردوووه. ئاوه رۆی ماله که ی به لوله کیشی له خانووه که ی دوور کردوووه تهوه و پاک و بوخته یی نیو گوندی پاراستوووه. بایهوه ههر له کۆنه وه حهز و مزگهوت و کانی ژنای هه بووه. له سالی ۱۳۳۷ ی هه تاوی، لوله کیشی ئاوی بۆ کراوه، له سالی ۱۳۴۰ قوتابخانه ی سهره تایی بۆ دانراوه و ههر لهو ساله دا چه مامی گشتی بۆ ساز دراوه. سالی ۱۳۴۲، پاسگا و خانه ی ته ندروستی و مو ترخانه ی بهرقی بۆ دروست کراوه. سالی ۱۳۴۵، خانه ی ئینسافی هه بووه. دیاره ئیستا، زۆریک لهو پیدایوستیانه نه مامان. دانیشتوانی بایهوه، له بهنای کاسی سهر سنووری، ئاژه لدار ی و وه رزیری و باخه وانیش ده کهن و دا هاتی وهک: گهنم، نوک، تووه سووره، تری، گو یز و..... به ره م دین. ههروهها مه ر و مال اتیش به خۆ ده کهن. دینشینی بایهوه یی، له پاراستنی دارستانه خۆش دیمه نه که ی و له وه رگا و شوینه گشتیه کان، غافل نه بووه و به جوانی پاسه وانی ده کات و به تایبتهت له م سالانه دا که ئاگر تیه بردانی دارستانه کان بووه به باو، له زووترین کاتدا ئاگره که ی کوزاندوو ته وه و پرووی ناحه زانی زیده که ی ره شتر کردوووه. بهو پییه ئه وه ی راستی بی، گوندنشینی بایهوه یی، با له دنیه کی سنووری و ده یان جار خاپوور کراویشدا بیته، ههر له سهر ئاوه دان کردنه وه ی ئاوا یه که یه تی و به هیوا یه هه موو پیدایوستیه کانی ژبانی دا بین بکات و سه رنجی بهر پرسیان رابکیشیت و کیشه و گرفته کانی چاره سه ر بکریت.

“جهلال سهعیدزاده”

حوادث طبیعی، راههای پیشگیری و کاهش خسارات

دریژه‌ی لایه‌په‌ی ۱ بابه‌ی "خودم در..."

سنور و جیاوازی له گهل چینه‌کانی دیکه‌ی شار؛

۸- سه‌رنج نه‌دانی به‌پرسان و لی نه‌پرسینه‌وه له سه‌ر گیر و گرفته‌کانیان.

له مه‌ریواندا دوا‌ی کۆتایی شه‌ری ئیران و ئیراق، کۆچی به‌ربلاو له لادیوه بو شار ده‌ستی پی کرد. ئەم کۆچه له

کاتی‌کدا بوو که هیچ گه‌لاله و به‌رنامه‌یه‌ک بو نیشته‌جی بوون، ئاسایش، په‌روه‌ده و فی‌کردنی مناله‌کان،

ته‌ندروستی و بوواری پزشکی و له هه‌موو گرینگتر، کار و پیشه؛ له نارادا نه‌بوو. دیاره ژبانی زۆربه‌ی ئەو

خه‌لکه، ژبانیکی قه‌زا و قه‌ده‌ری و مه‌ژی و مه‌مه‌ ده‌بی. خه‌لکیکی هه‌زار و بی ده‌سه‌لات، ویل و سه‌رگه‌ردان به

دوا‌ی سه‌ربه‌نايه‌کدا، روو له حاشیه‌ی شاره‌کان، بی ئەوه‌ی بزانی سه‌ر به‌ کام چین و تو‌یژی شارین،

به‌راستی ئەبی ژبان و سوکنايان چۆن بی‌ت؟ یا لیژایی کپوه‌کان و په‌نای قه‌برستان، یا دۆل و چه‌م و

قه‌سابخانه و کووره‌خانه، ده‌بووه سه‌ربه‌نایان و، یا ده‌که‌وتنه داوی ده‌لال و چاتۆلبازانی زه‌وی خۆر و، به

ساز کردنی خانوویه‌کی یه‌ک شه‌وه، بی هیچ بنه‌رته و پایه و ژیرخانیک، به ناو ده‌بوونه شاری و خاوه‌ن خانوو

و ژبانی شارستانی!! دیاره ئەو شوپانه که له ماوه‌یه‌کی کورتدا ده‌بوونه گه‌ره‌کی شار، نه‌رێگا و کووچه و کۆلانی

رێک و پێکی هه‌یه و، نه‌بیر له چۆنیه‌تی دابین کردنی پێداویستی‌کانی وه‌ک ئاو و کاره‌با و سووته‌مه‌نی و

ته‌له‌فون و.... کراوه‌ته‌وه.

حاشا له‌وه ناکریت که ئەمرو حاشیه نشینی، به کۆمه‌لیک گیر و گرفتی هه‌مه لایه‌نه‌وه، هه‌م رواله‌تی

شاری شیواندوه و هه‌م خه‌لکیکی دابراو له ژبانی لادنی و نه‌چه‌سپاو به ژبانی شاره‌وه‌ی ناخپه‌وه‌ته نیو

بازرێک که هیچ داهاوتویه‌کی روون بو ئەو شیوه‌ی زبانه نابینرته‌وه.

له راستی دا "حاشیه‌نشینی" نه‌ک ره‌وتیکی ئاسایی، به‌لکووه قه‌یرانیکی پر مه‌ترسییه، که کۆمه‌لیک گرفتی

ئابووری، قه‌ره‌نگی، ئەمنی و ته‌ندرووستی و.... به دوواوه‌یه.

له په‌نای نه‌بوونی خۆپندنگه و کار و پیشه و هیچ پێداویستی‌ک؛ منداله هه‌له‌هاتوو و بی سه‌ربه‌ناکان،

کار تۆن خه‌وه‌کان، لاهه هه‌زاره‌کان؛ زۆر ناسان ده‌که‌ونه داوی تۆره تاوانکار و خراپه‌کاره‌کان و، یا تیکه‌ل به

ماده هۆس به‌ره‌کان ده‌بن و ژبانیکی پر له نه‌هه‌مه‌تی بو خۆیان و بنه‌ماله‌یان دابین ده‌که‌ن.

چاره‌سه‌ری ئەم کیشه و قه‌یرانه ئەبی چۆن بی‌ت؟؟؟

پیش آگاهی:

پیش آگاهی و پیشگیری در کلیه امور بهتر از مبارزه و درمان است، در بسیاری از مواقع پیشگیری صدمات و خسارات جانی و اقتصادی ناشی از این گونه بلا یا را به حداقل ممکن رسانده و این مهم نیازمند آگاهی و شناخت آحاد جامعه است و باید در سطح جوامع انسانی بسط و گسترش بیشتری پیدا کند.

به طور مثال، حوادثی از قبیل زلزله، سیل، کاهش سطح

جنگل ها و مراتع، گسترش بیابانها و ... با ساخت منازل مسکونی مقاوم، ممانعت از کندن بوته ها و درختان

جنگلی، جلوگیری از چرای مفرط مراتع، احداث سیل بندها و سدها و... قابل پیشگیری است. به طور کلی

پیش آگاهی و پیشگیری در تقابل با بلاهای طبیعی از نظر زمانی دارای سه مرحله پیش از وقوع، هنگام وقوع و بعد از وقوع است.

افزایش خسارات:

بلاهای طبیعی اصولاً ماهیتی پیچیده دارند و در شرایط کنونی بسیاری از آنها خارج از کنترل انسان به نظر می رسند. اما میزان آسیب پذیری نتیجه عملکرد عوامل انسانی است و همانطوری که واقفیم پیشگیری از حادثه بهتر از واکنش در مقابله حادثه است، لذا ارتقای دانش و آگاهیهای عمومی خود عامل مهمی در کاهش اثرات بلاهای طبیعی محسوب می گردد.

روشهای پیش بینی و پیشگیری:

در جهان معاصر دو گونه معضل طبیعی صدمات جانی و مالی شدیدی را بر جوامع انسانی وارد می سازند که هر چند هر دو ناشی از طبیعت اند اما منشأ ایجاد یکی از آنها طبیعت و دیگری ناشی از تحمیل آگاهانه و ناخودآگاه انسان بر طبیعت می باشد. ساختارهای اساسی جهت کاهش بلاهای طبیعی به صورت زیر قابل جمع‌بندی و تعریف می باشد:

- ۱- برقراری سیستم هشدار و اختاربه‌های به موقع جوی.
- ۲- آماده سازی نیروهای انتظامی و راهداری.
- ۳- ایمن سازی نقاط وقوع بلاهای طبیعی.
- ۴- تمهیدات علمی و مهندسی.
- ۵- طراحی پروژه‌های عظیم مطالعاتی در فازهای شناسایی.
- ۶- اجرا و نظارت و ارتقای سطح آموزش عمومی و تخصصی برای مقابله کاهش آثار بلاهای طبیعی.
- ۷- تقویت نیروی انسانی متخصص و گروه‌های پژوهشی کارشناسی جهت مطالعه بلیه‌های طبیعی در مسیرهای اصولی و صحیح و با درک همه جانبه از کلیه روابط علت و معلولی موجود.

پژوهش: علی بدیع نیا

هر یک از عناصر جوی به تنهایی می تواند بلایای مهمی مانند افزایش دما و گرمادگی، سرعتهای زیاد باد و وقوع توفان، بارشهای تندری و وقوع تگرگ، یخبندان و سرمازدگی و ... را ایجاد کند. اما بیشترین خسارات جانی و مالی بر اثر پدیده‌های جوی ترکیبی و خطرات ثانویه ناشی از آنها می باشد، مانند توفان، رعد و برق، خشکسالیها، سیل، آتش سوزی و ...

تأثیر گذاری بلایای جوی بر جوامع با توجه به وضعیت توسعه اقتصادی و آسیب پذیری آنها متفاوت است. به طوری که رویدادهای جوی بیشترین خسارات جانی را در کشورهای کمتر توسعه یافته و بیشترین خسارات مالی را در کشورهای بیشتر توسعه یافته ایجاد می کنند. بررسی اطلاعات و آمار طی سالهای ۱۹۶۳-۹۲ نشان می دهد که مرگ و میر ناشی از سیل به علت مشکلات پیش بینی روبه افزایش بوده در حالی که مرگ و میر ناشی از توفانهای حاره ای به دلیل موفقیت نسبی در پیش بینی و هشدار طرحهای تخلیه مناطق در خطر کاهش یافته است.

در سالهای اخیر نگرانی دانشمندان در مورد تغییرات اقلیمی ناشی از دخالتهای بی رویه بشر در طبیعت و افزایش آلودگی های جوی بیشتر شده است. افزایش دمای سطح زمین که از نیمه دوم قرن اخیر شتاب بیشتری به خود گرفته است، معلول عواملی چون افزایش فعالیت های صنعتی و تولید روزافزون گازهای گلخانه ای است.

یکی از نتایج افزایش دما که تغییراتی را در روابط متقابل بین اقیانوسها و سیستم گردش عمومی به وجود می آورد بروز خشکسالی در برخی از نقاط جهان و رخداد توفان و سیلاب در نقاط دیگری از زمین می باشد.

طبقه بندی بلاهای طبیعی

پدیده های ناهنجار عبارتند از:

الف: پدیده های ناشی از عواملی تحمیلی بر طبیعت: (آلودگی هوا، بارانهای اسیدی، افزایش گاز کربنیک و آلاینده ها در جو و اثرات گلخانه ای ناشی از آنها، نازک شدن لایه ازن و ...)

ب: پدیده های ناشی از مکانیزم و ساختار عوامل طبیعی (زلزله، سیل، خشکسالی، بیابان زایی، پیشروی آب دریاها در خشکی و...) هر چند که برخی از این پدیده ها می توانند به علت تداخل هر دو عامل فوق که درواقع تشدید کننده پدیده ها محسوب می شود نیز رخ دهد. از دیدگاه دیگر پدیده های ناهنجار طبیعی را می توان به صورت زیر طبقه بندی نمود:

حوادث طبیعی ناشی از عوامل زمین ساختی، بلای تدریجی مثل آتشفشان، بلیه ناگهانی مثل زلزله، حوادث طبیعی ناشی از عوامل آب و هوایی مثل خشکسالی و سیل.

جۆلانە

"ناوی من شیرە!!"

روی درختان یادگاری بنویسیم

در یک روز بهاری که قناری و بلبل می خواند خانواده سارا کوچولو تصمیم گرفتند به گردش بروند. آنها به یک جنگل رفتند و سارا توپش را برداشت و رفت تا بازی کند. توپش را هی بالا پرت می کرد و می گرفت که ناگهان یک درخت را آنجا دید، کمی فکر کرد و با خود گفت بهتر است روی این درخت یک یادگاری بنویسم. بعد هم رفت و توپش را گذاشت و یک چاقو آورد وقتی به کنار درخت رسید درخت فهمید که او چه تصمیمی دارد. به سارا گفت: چکار داری می کنی؟ سارا گفت می خواهم روی تو یادگاری بنویسم، درخت گفت می دانی درختان چه فایده ای دارند؟ سارا با تعجب گفت: نه! مگر درختها هم فایده دارند؟! درخت گفت: بلی و برایش توضیح داد که ما درختان برای ادامه زندگی انسانها روی کره زمین لازم هستیم، درختها گاز کربنیک را که برای انسانها مضر است می گیرند و اکسیژن پس می دهند. ریشه ی درخت خاک زمین را سفت می کند و نمی گذارد وقتی باران می بارد خاک شسته شود. و ادامه داد اگر درختان وجود نداشتند اکثر موجودات و انسانها به بیماری های سخت مبتلا می شدند و از بین می رفتند، اما بعضی از بچه ها نمی دانند که درختان چقدر مفید هستند و می آیند یا روی ما یادگار می نویسند یا شاخه هایمان را می شکنند. سارا که تازه متوجه اشتباهش شده بود از درخت عذر خواهی کرد و قول داد که دیگر آسیبی به درختان نرساند.

هدیه دادور

رۆژی له رۆزان، به رێکهوت بزێک

و گوێره که یهک و مه رێک؛ له گه ل شیرێکی نازری و تووره بوونه هاوړی و پرپاریان دا؛ هه ر کهس نه چیرێکی خسته داو، له گه ل نهوانی دی شه ریک بێت.

زۆری پێ نه چوو، که له کپویهک، کهوته داوی بز نه که. بێ مائل بوون هه وائی گه یانده هه و آلانی.

سێ هاوبه شی دی، به په له گه یشتنه سه ر نه چیر.

بێ یهک و دوو، جه نابی شیر خۆی ناماده ی دابهش کردنی دهسکه و ته که کرد و به نشان دانی چنگ و ددانه تیزه کانی رایگه یانده:

– "بۆ دابهش کردنی ئەم نه چیره، ئیمه چوار کهسین."

ئهمه ی وت و که له کپویه که ی کرد به "چوار" به شه وه. یه کهم به شی به ئیوی سو لتانی دارستان بۆ خۆی هه ل گرت و وتی:

– "ئەم به شه ئەبێ بۆ من بێت. له بهر ئەوه ی ناوی من شیرە!. ئەمهش جیی هیج ره خنه یهک نییه!"

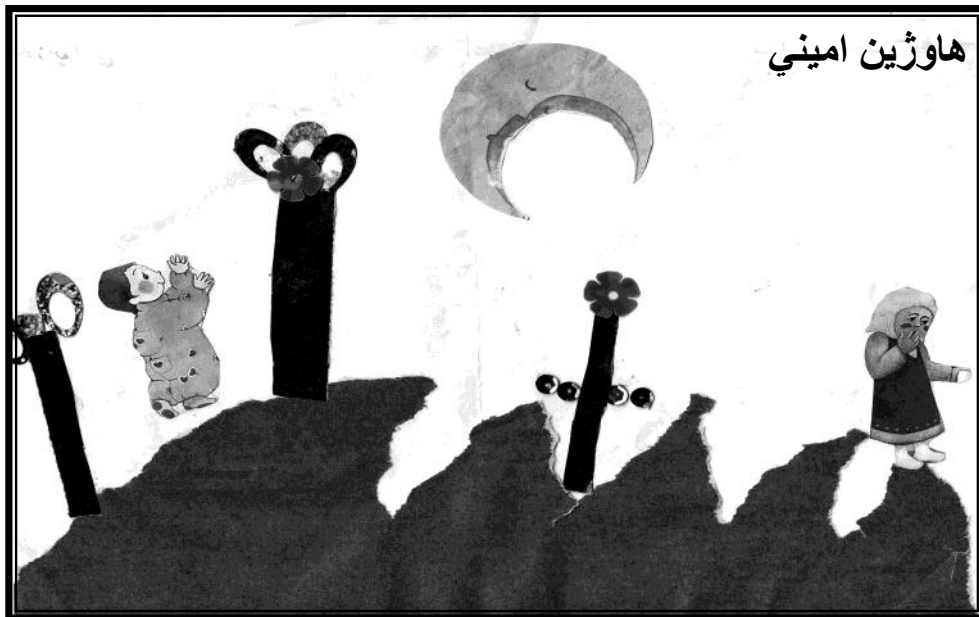
– "دوو م به شی ئەم نه چیره ش، مافی منه. هه ر وه ها که ئەزانن، ئەمه مافی سروشتی به هیزترین که سه!"

– "به ئیوی بێ باکترین شه ریکی ئەم نه چیره، داوای به شی سییه میش ده که م!"

– "هه ر که سێگیش ده ست بۆ به شی چوار م به ری، یه که سه ر نا قی ده چنم."!!!!

وه ر گێر له فارسییه وه: ئەمین عه زیزی

هاوژین امینی





شماره تماس ۰۹۳۶۶۴۵۹۱۰۵

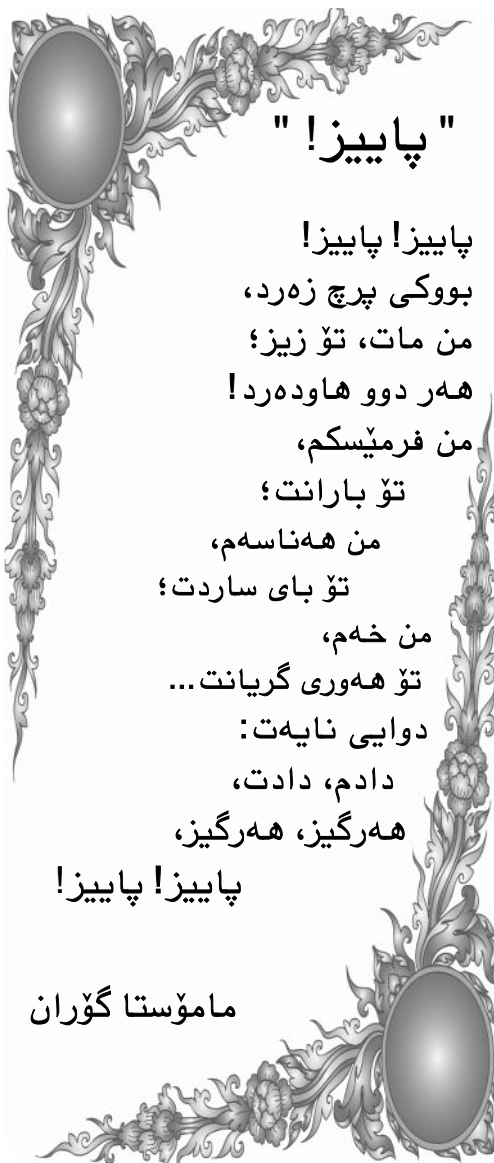
- مرکز بهداشت و اداره‌ی اماکن لازم است هرچه سریعتر از رشد سرسام آور مغازه‌های قلیان جلوگیری کنند. (پیر خضرانی)

- از برادران نیروی انتظامی خواهشمندیم از پارک کردن ماشین گشت خود در اوقات پایانی و پر تردد در میدان شهید فهمیده خودداری کنید. زیرا با توجه به اینکه مجسمه شهید فهمیده هم بر روی خط عابر پیاده قرار دارد ممکن است باعث ایجاد حادثه برای رانندگان و عابر پیاده شود. (نیازی)

- چرا از کندن چاههای متعدد آب در روستاهای کولان، سیف و باشماق جلوگیری نمی‌شود؟ (پزشکیان)

- چرا شرکت مخابرات نسبت به وضعیت بسیار بد مکالمات تلفن همراه هیچ اقدامی نمی‌کند؟ (حکیمی)

- بعد از گذشت یک ماه از کنده شدن آسفالت ابتدای خیابان اصلی شهید چراغی، شهرداری هنوز اقدامی جهت آسفالت این قسمت انجام نداده، آیا حتماً باید تصادفی منجر به مرگ صورت گیرد تا شهرداری اقدامی انجام دهد؟! (کشور دوست)



"پاییز!"

پاییز! پاییز!

بووکی پرچ زهره،

من مات، تو زیز؛

هر دو هاوودره!

من فرمیسم،

تو بارانت؛

من هه‌ناسه‌م،

تو بای ساردت؛

من خه‌م،

تو هه‌وری گریانت...

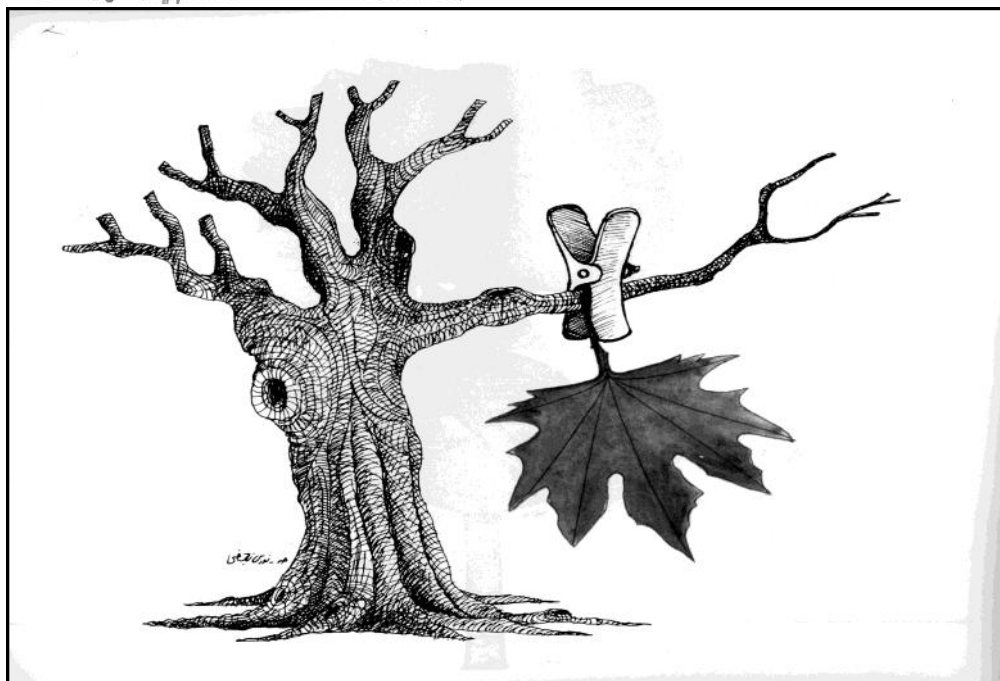
دوایی نایه‌ت:

دادم، دادت،

هه‌رگیز، هه‌رگیز،

پاییز! پاییز!

ماموستا گوران



آیا از سلامت نوزادتان اطمینان دارید؟

وقتی با افراد به ظاهر کاملاً سالم و لیخند بر لب، برخورد می‌کنیم با حرکات دست بدون صدا یا ما و اطرافیان حرف می‌زنند گاهی ناخودآگاه فکر می‌کنیم آنها ما را مسخره می‌کنند. بعد از آنکه فهمیدیم ناشوا هستند این بار با نگاهی ترحم آمیز و دلسوزانه به آنها نگاه نمی‌کنیم. در حالیکه فقط با یک آزمایش ساده شنوایی در ابتدای زندگی می‌توان دنیای آنها را پر از واژه و صداهای دلشین کرد، با یک سهل انگاری و در نهایت همدیگر را متهم ساختن (والدین فرزند ناشوا و کم شنوا) دنیای این افراد را به سکوتی مطلق تا ابد تبدیل می‌کنیم در حالیکه فقط یک آزمایش و بررسی ساده در نوزادان می‌تواند از تمام این مشکلات پیشگیری نمود. بررسی و آزمایش کاملاً ساده ولی با اهمیت و محدود به زمان تولد تا سه سالگی، یعنی دورانی به نام دوران زبان آموزی، دورانی که ازغان و غون دوران نوزادی شروع و با گفتن اولین کلمه (بابا یا ماما) و نهایتاً با گذشت زمان کلمات بیشتر و گفتگو و جمله ساختن به اوج می‌رسد.

به طور متوسط سالانه شش هزار نوزاد مبتلا به کم شنوایی در کشور متولد می‌شوند. علل متفاوتی سبب بروز این مشکل در نوزادان می‌شود، لذا با توجه به تنوع علل نا شنوایی ضروری است همه نوزادان تحت بررسی شنوایی قرار گیرند تا در صورت وجود مشکل هرچه سریعتر اقدامات درمانی و توانبخشی لازم انجام گیرد و در این فرصت کم و طلایی یعنی از تولد تا یک سالگی اگر بررسی شده و تشخیص داده شود می‌توان از ناشنوایی و لال بودن (کر و لالی) آنها جلوگیری نمود. امروزه تمام افراد یک جامعه نسبت به هم تعهد دارند و اگر فردی دچار معلولیت و مشکل شود تمامی افراد در برابر آنها مسئول هستند نه فقط والدین و افراد نزدیک فرد معلول. پس با هم پیشگیری را جزو فرهنگ جامعه خود قرار دهیم و تماماً در راستای بسترسازی آن در جامعه خود تلاش نماییم، تا پیشگیری به یکی از اصول فرهنگی اجتماعمان تبدیل شود. با این اصل می‌توان جامعه را به طرف جامعه ایده‌آل سوق داد حال با الطاف خداوندی و دلسوزی مسئولین بهداشتی و پیشگیری و همت موسسه خیریه‌ی "باران رحمت"، طرح غربالگری شنوایی نوزادان در شهر مریوان راه اندازی شده است. لذا نسبت به آگاه‌سازی مردم و خانواده‌ها جهت مراجعه برای آزمایش نوزادان و کودکان زیر یک سال اقدام فرمایید. مریوان - خیابان سید قطب جنب داروخانه‌ی شبانه روزی خوارزمی - طبقه‌ی دوم مطب دکتر برهان درخشانی - کلینیک شنوایی مریوان. موسسه‌ی خیریه‌ی باران رحمت